

## بررسی فقهی عدم تمکین زوجه در عقد موقت

□ جواد زاهدی \*

### چکیده

در این مقاله موضوع عدم تمکین زوجه در عقد موقت و راهکارهای مقابله با آن و الزام او به تمکین مورد بررسی قرار گرفته است. در ازدواج دائم یکی از بهترین راهکارها برای الزام زوجه به تمکین، عدم پرداخت نفقه است و در ازدواج موقت، زن حق نفقه ندارد و تنها حق مالی که زن دارد، مهریه است. مشکل وقتی به وجود می آید که زوج مهریه را کامل پرداخت نماید و بعد از آن زن تمکین نکند، در این فرض پرسش مطرح می گردد که چه راهکاری برای الزام زوجه برای تمکین وجود دارد و چگونه او را ملزم به تمکین نماید؟ در نظام حقوقی اسلام برای هر یک از ازدواج دائم و موقت ضوابط و مقررات خاصی وضع گردیده و ضمانت‌های اجرایی کیفری و مدنی اتخاذ شده است که عدم پرداخت نفقه در صورت عدم تمکین در ازدواج دائم و کسر شدن از مقدار مهریه در صورت عدم تمکین در ازدواج موقت و طرح دعوا در دادگاه خانواده جزء ضمانت‌های اجرایی محسوب می‌گردد. در صورت عدم تمکین زوجه در عقد موقت، سه راهکار برای احقاق حق و استیفای حق برای زوج وجود دارد که با استفاده از آنها می‌تواند برای احقاق حق خود اقدام نموده زوجه را وادار به تمکین نماید: ۱. حبس مهر و امتناع از پرداخت آن تا زمان حصول اطمینان به تمکین، در صورتی که احتمال تخلف و عدم تمکین وجود داشته باشد. ۲. امتناع از پرداخت مهریه به نسبت مدتی که زوجه تمکین نکرده است (البته استفاده این راهکار در فرضی موثر است که مهریه را پرداخت نکرده باشد). ۳. شکایت در دادگاه خانواده و درخواست تمکین و یا بازپرداخت مهریه ای که دریافت کرده است.

**کلید واژه:** عقد موقت، زوجه، تمکین، عدم تمکین.

## مقدمه

نظام حقوقی اسلام از آنجاکه مبتنی بر وحی و جهان‌بینی الهی هست، نظام کامل و جامع است تمام نیازمندی‌های طبیعی اعم از مادی و معنوی بشر را در نظر داشته، قواعد و مقررات متناسب با وضعیت‌های متفاوت و مختلف را برای تأمین نیازهای که بشر برای رسیدن به سعادت و کمال داشته وضع و ابلاغ کرده است.

باتوجه به این‌که ازدواج برای ارضای نیاز طبیعی انسان، تداوم نسل، حفظ سلامتی و پاکی روح، نسل، جامعه و شفافیت حقوق و رعایت اخلاق؛ امری ضروری است، آن را به رسمیت شناخته، قواعد و مقررات کاملاً روشن و مشخص برای آن در نظر گرفته و حقوق طرفین قرارداد را نیز معین کرده است. از طرفی به دلیل این‌که شرایط ازدواج دائم به خاطر مقررات نسبتاً سخت و پایداری که دارد و نسبت به طرفین قرارداد تعهدآور است، عده‌ای از افراد جامعه در شرایط زمانی، مکانی و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و ... قرار داشته باشد که توانایی عهده دادن شدن مسؤلیت ازدواج دائم را نداشته باشند و به دلیل فشارهای غریزه جنسی و یا روحی دچار مشکل شده و به گناه و فساد کشانده شوند، برای حل مشکل این بخش از افراد جامعه، ازدواج موقت در نظر گرفته شده است که مقررات آسان‌تر، تعهدات و مسؤلیتی مالی و اجتماعی کمتری دارد.

برای هر یک از دو نوع ازدواج ضوابط و مقررات خاصی وضع گردیده و ضمانت‌های اجرایی کیفری و مدنی اتخاذ شده است که عدم پرداخت نفقه در صورت عدم تمکین در ازدواج دائم و کسر شدن از مقدار مهریه در صورت عدم تمکین در ازدواج موقت جزء ضمانت‌های اجرایی محسوب می‌گردد.

## سؤال اصلی

در عقد موقت اگر زوجه تمکین نکند، چه راهکارهای جهت احقاق حق برای زوج وجود دارد؟

## سؤال های فرعی

۱. آیا زوج در صورتی که زوجه تمکین نکند، می‌تواند بخش از مهریه را نپردازد؟
۲. و اگر زوج از ابتدا تمام مهریه را پرداخته باشد، در صورت عدم تمکین زوجه، می‌تواند به نسبت مدت عدم تمکین، باز پس مطالبه نماید؟

یکی از موجبات نفقه زوجیت است. در عقد دائم زوجه بر زوج حق نفقه دارد (خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۱۳ و ۲۱۴) که در حقیقت ضمانتی است برای تمکین. اگر زوجه تمکین نکند، ناشیزه محسوب می‌شود و در مدت نشوز از داشتن این امتیاز محروم می‌گردد. (همان) در عقد موقت زن حق نفقه ندارد، (همان و مشکینی، میرزا علی، الفقه المأثور، ۱۴۱۸هـ.ق، ص ۲۹۵) در صورت عدم تمکین او نسبت به وظیفه شرعی که در برابر شوهر دارد، پریش اصلی که مطرح می‌گردد این است که چه راهکارهای وجود دارد که شوهر با استفاده از آن‌ها حق خود را مطالبه و همسرش را وادار به تمکین نماید؟

پاسخ اجمالی: در صورت عدم تمکین زوجه در عقد موقت، سه راهکار برای احقاق و استیفای حق برای زوج وجود دارد که با استفاده از آن‌ها می‌تواند برای احقاق حق خود اقدام نموده زوجه را وادار به تمکین و یا مهر او را کسر نماید.

۱. امتناع از پرداخت مهریه به نسبت مدتی که زوجه تمکین نکرده است (اگر زوج مهریه را پرداخت نکرده باشد) و اگر مهریه را قبلاً پرداخت کرده باشد، درخواست بازپرداخت و برگرداندن به نسبت مدت زمان عدم تمکین. در این مورد سید ابو الحسن اصفهانی بیان داشته است: «تملك المتمتع المهر بالعقد، فيلزم عليه دفعه إليها بعده لو طالبتة، وإن كان استقراره بالتمام مراعى بالدخول ووفائها بالتمكين في تمام المدّة، فلو وهبها المدّة، فإن كان قبل الدخول لزمه نصف المهر، وإن كان بعده لزمه الجميع وإن مضت من المدّة ساعة وبقية منها شهور أو أعوام فلا يقسّط المهر على ما مضى منها و ما بقى. نعم لو لم يهب المدّة و لكنّها لم تف بها و لم تمكنه من نفسها في تمامها كان له أن يضع من المهر بنسبتها؛ إن نصفاً فنصف و إن ثلثاً فثلث و هكذا ما عدا أيام حيضها، فلا ينقص لها شيء من المهر. و في إلحاق سائر الأعدار كالمرض المدنف و نحوه بها أو عدمه و جهان بل قولان، لا يخلو أولهما من رجحان، و الأحوط التصالح.» (اصفهانی، سید ابو الحسن، وسیلة النجاة، ۱۴۲۲هـ.ق،

ص ۷۳۸).

۲. حبس مهر و امتناع از پرداخت آن تا زمان حصول اطمینان به تمکین، در صورتی که احتمال تخلف و عدم تمکین وجود داشته باشد
۳. شکایت در دادگاه خانواده و درخواست تمکین.

### بررسی فقهی

بر اساس فقه اسلامی در عقد دائم به صرف اجرای عقد، زوجه مالک مهریه شده و از حق نفقه بهره‌مند می‌گردد و در صورت عدم تمکین، این حق ساقط می‌شود. در حقیقت نفقه در برابر تمکین قرار دارد و ضمانت اجرای آن هست. اگر زن تمکین نکرد اعم از تمکین عام و یا خاص، ناشیزه محسوب شده و در مدت نشوز حق نفقه ندارد. امام خمینی در این مورد بیان داشته است: «فصل فی النفقات. إنما تجب النفقة بأحد أسباب ثلاثة: الزوجية و القرابة و الملك. مسألة ۱ إنما تجب نفقة الزوجة على الزوج بشرط أن تكون دائمة فلا نفقة للمنقطعة، و أن تكون مطيعة له فيما يجب إطاعتها له، فلا نفقة للناشزة، و لا فرق بين المسلمة و الذمیه.» (خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۲۱۳ و ۲۱۴).

در عقد موقت از اصل زوجه حق نفقه ندارد، (همان. مشکینی، میرزاعلی، الفقه المأثور، ص ۲۹۵) تنها حقی که دارد همان مهر است (همان) و در حقیقت در برابر تمکین است که زوجه در عقد موقت از حق مهر بهره‌مند می‌گردد، اگر تمکین نکرد دیگر حق مهر هم ندارد. اگر از ابتدا تمکین نکند، اصلاً مهری به او تعلق نمی‌گیرد و اگر در ابتدا تمکین کرد ولی در ادامه از تمکین سرباز زده باشد، به نسبت مدتی که تمکین نکرده، حق مهر ندارد. سید ابو الحسن اصفهانی در این مورد بیان داشته است: «تملك المتمتعة المهر بالعقد، فيلزم عليه دفعه إليها بعده لو طالبتة، و إن كان استقراره بالتمام مراعى بالدخول و وفائها بالتمكين فى تمام المدّة... نعم لو لم يهب المدّة و لكتّها لم تف بها و لم تمكنه من نفسها فى تمامها كان له أن يضع من المهر بنسبتها؛ إن نصفاً فنصف و إن ثلثاً فثلث و هكذا ما عدا أيام حيضها، فلا ينقص لها شيء من المهر. و فى إلحاق سائر الأعذار كالمرض المدنف و نحوه بها أو عدمه و جهان بل قولان، لا يخلو أولهما من رجحان، والأحوط التصالح.» (اصفهانی، سید ابو الحسن، وسیلة النجاة، ۱۴۲۲ هـ.ق، ص ۷۳۸) آقای مشکینی نیز به تبع اصفهانی بیان داشته

است: «و يجوز للرجل أن يحبس شيئا من المهر فإذا أخلفت في بعض المدة من التمكين أخذ منه بقدر ما تخلف إلا أيام حيضها.» (مشکینی، میرزا علی، ۱۴۱۸ هـ ق، ص ۲۹۴).

### راهکار اول - کسر مهریه به نسبت مدت عدم تمکین زن

با توجه به این که در عقد موقت مهریه در برابر تمکین است، اگر زوجه تمکین نکرد، راهکار مقابله با او این است که به نسبت مدت عدم تمکین از مهریه او کسر (کم) نماید. در صورت عدم تمکین دو فرضیه وجود دارد؛ اول- این که اصلاً تمکین نکند، دوم- اینکه در ابتدا تمکین کرده ولی در ادامه از تمکین سرباز زده باشد.

الف - اصلاً تمکین نکرده باشد

در فرضی که زوجه از همان ابتدا تمکین نکند، در این صورت به هیچ وجه مهریه حق ندارد.

ب - در ابتدا تمکین کرده باشد ولی در ادامه از تمکین سرباز زده است.

اگر در ابتدا تمکین کرده باشد ولی در ادامه از تمکین سرباز زند. در این صورت به نسبتی که تمکین نکرده، مهریه حق ندارد. بیان آقایان اصفهانی، امام، لنکرانی، مشکینی، وحید، تبریزی، مکارم، رهبری، بهجت، نوری و ... این مطلب است: «تملك المتمتع المهر بالعقد، فيلزم عليه دفعه إليها بعده لو طالبتة، وإن كان استقراره بالتمام مراعى بالدخول و وفاتها بالتمكين في تمام المدّة، ... نعم لو لم يهب المدّة و لكنّها لم تف بها و لم تمكنه من نفسها في تمامها كان له أن يضع من المهر بنسبتها؛ إن نصفاً فنصف وإن ثلثاً فثلث و هكذا ما عدا أيام حيضها.» (اصفهانی، سید ابو الحسن، وسیلة النجاة، ۱۴۲۲ هـ ق، ص ۷۳۸). «و يجوز للرجل أن يحبس شيئا من المهر فإذا أخلفت في بعض المدة من التمكين أخذ منه بقدر ما تخلف إلا أيام حيضها.» (مشکینی، میرزا علی، الفقه المأثور، ۱۴۱۸ هـ ق، ص ۲۹۴). وحید، منهاج الصالحين، ج ۳، ۱۳۰۵. تبریزی، منهاج الصالحين، ج ۲، م ۱۳۰۵؛ سیستانی، منهاج الصالحين، ج ۳. خمینی، روح الله، تحرير الوسيلة، ج ۲. صافی، هداية العباد، ج ۲).

این صورت نیز دو فرض دارد:

الف- در ابتدا تمام مهریه را پرداخت کرده است

ب - هنوز تمام و یا بخش از مهریه را پرداخت نکرده است  
 اگر مهریه را در ابتدا کامل پرداخت کرده باشد، به نسبت باقی مانده مدت که تمکین نکرده است، می تواند بخش از مهریه را باز پس بگیرد؛ و اگر تمام و یا بخش از مهریه را پرداخت نکرده باشد، فقط به نسبت مدتی که تمکین کرده است مهریه را پرداخت و به نسبتی که تمکین نکرده است از مهریه اش کسر کرده و پرداخت نماید. احادیثی زیادی از جمله حدیثی که ریان بن شیب که از امام صادق (ع) نقل کرده است مؤید این نظریه و دیدگاه است: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشِيمٍ قَالَ كَتَبَ إِلَيْهِ الرَّيَّانُ بْنُ شَيْبٍ يَعْنِي أَبَا الْحَسَنِ ع «الرَّجُلُ يَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ مُتَعَةً بِمَهْرٍ إِلَى أَجَلٍ مَعْلُومٍ - وَأَعْطَاهَا بَعْضَ مَهْرِهَا وَآخَرَتَهُ بِالْبَاقِي ثُمَّ دَخَلَ بِهَا وَعَلِمَ بَعْدَ دُخُولِهِ بِهَا قَبْلَ أَنْ يُوْفِّيَهَا بَاقِيَ مَهْرِهَا أَنَّمَا زَوَّجْتَهُ نَفْسَهَا وَلَهَا زَوْجٌ مُقِيمٌ مَعَهَا أَيْ جُوزٌ لَهُ حَبْسٌ بَاقِيَ مَهْرِهَا أَمْ لَا يَجُوزُ فَكَتَبَ ع لَا يُعْطِيهَا شَيْئًا لِأَنَّهَا عَصَتِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ». (عن عمر بن حنظلة: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: أتزوج المرأة شهراً فتريد مني المهر كملاً فأتخوف أن تخلفني، فقال: لا يجوز أن تحبس ما قدرت عليه، فإنَّ هي أخلفتك فخذ منها بقدر ما أخلفتك». و ثالثاً: «باسنادين عنه، عنه عليه السلام: قلت له: أتزوج المرأة شهراً، فأحبس عنها شيئاً؟ قال: نعم خذ منها بقدر ما تخلفك، إن كان نصف شهر فالنصف «و إن كان ثلثاً فالثلث». و رابعاً: «عن إسحاق بن عمار: قلت لأبي الحسن عليه السلام الرجل يتزوج المرأة متعة تشترط له أن تأتيه كل يوم حتى توفيه شرطه أو يشترط أياماً معلومة تأتيه فيها، فتغدر به فلا تأتيه على ما شرطه عليها، فهل يصلح له أن يحاسبها على ما لم تأت من الأيام فيحبس عنها من مهرها بحساب ذلك؟ قال: نعم، ينظر ما قطعت من الشرط فيحبس عنها من مهرها بمقدار ما لم تف له ما خلا أيام الطمث فإنها لها، فلا يكون عليها إلا ما أحلَّ له فرجها.» (شوشتری، محمد تقی، النجعه، ۱۴۰۷ هـ، ج ۹، ص ۱۵).

### راهکار دوم - حبس مهریه در صورت احتمال عدم تمکین زن

راهکار دوم این است که اگر زوج احتمال می دهد که زوجه به عهد خود وفا نمی کند و ممکن است تمکین نکند، از همان ابتدا مهریه را حبس نماید تا این که از تمکین مطمئن گردد. اگر زوجه به عهد خود وفا و تمکین نمود، مهریه را کامل پرداخت نماید و اگر اصلاً

تمکین نکرد، هیچ مهری به او پرداخت نکند و اگر بخشی از مدت را تمکین نمود به همان نسبت مدت تمکین مهریه او را پرداخت نماید.

احادیث و نظریات بسیاری از فقها راهکار دوم را نیز تأیید می کنند که از باب اختصار به ذکر چند حدیث و دیدگاه بعضی از فقها، از باب نمونه بسنده می شود.

### الف - حدیث

۱. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ أَتَزَوِّجُ الْمَرْأَةَ شَهْرًا فَأَحْبِسُ عَنْهَا شَيْئًا قَالَ نَعَمْ خُذْ مِنْهَا بِقَدْرِ مَا تُخْلِفُكَ إِنْ كَانَ نِصْفَ شَهْرٍ فَالنِّصْفَ وَإِنْ كَانَ ثُلُثًا فَالثُّلُثُ»». (کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۵، ص ۴۶۱).

۲. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَ الرَّجُلِ يَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ مُتَعَةً تَشْتَرِطُ لَهُ أَنْ تَأْتِيَهُ كُلَّ يَوْمٍ حَتَّى تُوَفِّيَهُ شَرْطَهُ أَوْ تَشْتَرِطُ أَيَّامًا مَعْلُومَةً تَأْتِيهِ فِيهَا فَتَغْدِرُ بِهِ فَلَا تَأْتِيهِ عَلَى مَا شَرَطَهُ عَلَيْهَا فَهَلْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَحَاسِبَهَا عَلَى مَا لَمْ تَأْتِهِ مِنَ الْأَيَّامِ فَيَحْبِسَ عَنْهَا مِنْ مَهْرِهَا بِحِسَابِ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ يَنْظُرُ مَا قَطَعْتَ مِنَ الشَّرْطِ فَيَحْبِسُ عَنْهَا مِنْ مَهْرِهَا بِمِقْدَارِ مَا لَمْ تَفِ لَهُ مَا خَلَا أَيَّامَ الطَّمْثِ فَإِنَّهَا لَهَا فَلَا يَكُونُ لَهُ إِلَّا مَا أَحَلَّ لَهُ فَرَجَهَا»». (همان).

۳. «التاسع: في حبس المهر عنها إذا أخلفت بالنسبة إلا أيام الحيض - ۱۰۶ «۵» قَالَ رَجُلٌ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَزَوِّجُ الْمَرْأَةَ شَهْرًا وَتُرِيدُ مِنِّي الْمَهْرَ كَمَلًا، وَاتَّخَوَّفُ أَنْ تُخْلِفَنِي، قَالَ: يَجُوزُ أَنْ تَحْبِسَ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ، فَإِنْ أَخْلَفْتِكَ فَخُذْ مِنْهَا بِقَدْرِ مَا تُخْلِفُكَ.» (عاملی، حرّ، محمد بن حسن، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ هـ ق، ج ۷، ص ۲۲۶).

۴. «بَابُ جَوَازِ حَبْسِ الْمَهْرِ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُتَمَتِّعِ بِهَا بِقَدْرِ مَا تُخْلِفُ مِنَ الْمُدَّةِ إِلَّا أَيَّامَ حَيْضِهَا فَإِنَّهَا لَهَا ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُوبَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَتَزَوِّجُ الْمَرْأَةَ شَهْرًا- فَتُرِيدُ مِنِّي الْمَهْرَ كَمَلًا وَاتَّخَوَّفُ أَنْ تُخْلِفَنِي- قَالَ يَجُوزُ أَنْ تَحْبِسَ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ- فَإِنْ هِيَ أَخْلَفْتِكَ فَخُذْ مِنْهَا بِقَدْرِ مَا تُخْلِفُكَ. ۲- وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي

عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ شَهْرًا فَأَحْبِسُ عَنْهَا شَيْئًا - فَقَالَ نَعَمْ خُذْ مِنْهَا بِقَدْرِ مَا تُخْلِفُكَ - إِنْ كَانَ نِصْفَ شَهْرٍ فَالْنِّصْفُ - وَإِنْ كَانَ ثُلُثًا فَالثُّلُثُ. وَرَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ مِثْلَهُ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ مِثْلَهُ. ۳- وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عِ يَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ مُنْعَةً - تَشْتَرِطُ لَهُ أَنْ تَأْتِيَهُ كُلَّ يَوْمٍ حَتَّى تُوْفِيَهُ شَرْطَهُ - أَوْ يَشْتَرِطُ أَيَامًا مَعْلُومَةً تَأْتِيهِ فَتَعْدُرُ بِهِ فَلَا تَأْتِيهِ - عَلِيٌّ مَا شَرْطُهُ عَلَيْهَا فَهَلْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَحَاسِبَهَا - عَلِيٌّ مَا لَمْ تَأْتِهِ مِنَ الْأَيَّامِ فَيَحْبِسُ عَنْهَا بِحِسَابِ ذَلِكَ - قَالَ نَعَمْ يَنْظُرُ إِلَى مَا قَطَعْتَ مِنَ الشَّرْطِ - فَيَحْبِسُ عَنْهَا مِنْ مَهْرَهَا مِقْدَارَ مَا لَمْ تَفِ لَهُ - مَا خَلَا أَيَّامَ الطَّمْثِ فَإِنَّهَا لَهَا - وَلَا يَكُونُ لَهَا إِلَّا مَا أَحَلَّ لَهُ فَرَجَهَا. ۴- مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ أَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ شَهْرًا بِشَيْءٍ مُسَمًّى - فَتَأْتِي بَعْضَ الشَّهْرِ وَلَا تَفِي بِبَعْضٍ - قَالَ يَحْبِسُ عَنْهَا مِنْ صَدَاقِهَا مِقْدَارَ مَا احْتَسَبْتَ عَنْكَ - إِلَّا أَيَّامَ حَيْضِهَا فَإِنَّهَا لَهَا. (عاملي، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، ۳۰ جلد، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲۱، ص ۶۱ و ۶۲).

### ب - دیدگاه فقهای

«و يجوز للرجل أن يحبس شيئا من المهر فإذا أخلفت في بعض المدة من التمكين أخذ منه بقدر ما تخلف إلا أيام حيضها.» (مشكيني، ميرزا علي، الفقه المأثور، ۱۴۱۸ هـ، ص ۲۹۴).

### راهکار سوم - شکایت به دادگاه خانواده و درخواست الزام به تمكين

در ازدواج موقت به دلیل اینکه مبنای این امر، بهره‌مندی جنسی طرفین از یکدیگر است، زن و شوهر ضمن این‌که باید نسبت به هم حسن معاشرت داشته باشند، زن جزء در مواقعی که عذر شرعی دارد، نمی‌تواند از ایفای نقش زناشویی خود ممانعت به عمل آورد. لذا در ازدواج موقت، الزام به تمكين وجود دارد و در صورت عدم تمكين، مرد می‌تواند دادخواست عدم تمكين زن را در دادگاه خانواده تقدیم نموده و درخواست الزام به تمكين نماید، ولی به دلیل عدم ثبت ازدواج‌های موقت و تبعات خانوادگی و اجتماعی آن، عملاً مرد به دادگاه خانواده مراجعه نکرده و حکم تمكين زن را خواستار نمی‌شود. اما این حق را دارد که اگر



مهریه را از اول پرداخت کرده بود و زوجه حاضر به تمکین و یا بازپرداخت مهریه دریافتی به نسبت مدت عدم تمکین، نگردید، زوج با مراجعه به دادگاه خانواده اقدام به شکایت نموده و درخواست الزام به تمکین و یا جبران خسارت نماید.

### نتیجه‌گیری

از مجموع روایات و فتاوا به این جمع‌بندی می‌رسیم که در عقد موقت زن حق نفقه ندارد مگر این‌که شرط کرده باشد. مهریه در عقد موقت رکن اصلی و مابه‌ازای بضع است و ضمانت اجرای تعهد به وظیفه شرعی طرفین نیز محسوب می‌گردد. اگر مرد مهریه را پرداخت نکرد زن می‌تواند از انجام وظایف زناشویی خود داری نماید. همین‌طور اگر زن از وظایف زناشویی خود تخلف نموده و تمکین نکند، مرد حق دارد که به نسبت عدم تمکین زن، مهریه او را نپردازد و یا باز پس بگیرد. در صورت عدم تمکین زن، مرد با استفاده از راهکارهای سه‌گانه؛ عدم پرداخت مهریه به نسبت مدت عدم تمکین، حبس مهریه به نسبت مدت عدم تمکین و شکایت در دادگاه خانواده و درخواست الزام به تمکین زن، برای استیفای حق خود اقدام نماید.

## کتابنامه

- اصفهانى، سيد ابو الحسن، *وسيلة النجاة* (مع حواشى الإمام الخمينى)، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى قدس سره، قم - ايران، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ.ق.
- اصفهانى، مجلسى دوم، محمد باقر بن محمد تقى، *مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول*، دار الكتب الإسلامية، تهران - ايران، دوم، ۱۴۰۴ هـ.ق، ج ۲۰.
- اصفهانى، سيد ابو الحسن، *وسيلة النجاة* (مع حواشى الغلباىگانى)، چاپخانه مهر، قم - ايران، اول، ۱۳۹۳ هـ.ق، ج ۳.
- بحرانى، آل عصفور، يوسف بن احمد بن ابراهيم، *الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة*، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، ۱۴۰۵ هـ.ق، ج ۲۴.
- بغدادى، مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى، *المتعة*، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد - رحمة الله عليه، قم - ايران، اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- تبريزى، جعفر سبحانى، *نظام النكاح فى الشريعة الإسلامية الغراء*، قم - ايران، اول، هـ.ق.
- حلّى، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، *قواعد الأحكام فى معرفة الحلال و الحرام*، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، ۱۴۱۳ هـ.ق، ج ۳.
- خمينى، سيد روح الله موسى، *تحرير الوسيلة*، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم - ايران، اول، هـ.ق، ج ۲.
- زنجانى، سيد موسى شيبيرى، *كتاب نكاح* (زنجانى)، مؤسسه پژوهشى راي پرداز، قم - ايران، اول، ۱۴۱۹ هـ.ق، ج ۱۹.
- سبزوارى، سيد عبد الأعلى، *مهذب الأحكام*، مؤسسه المنار، قم - ايران، چهارم، ۱۴۱۳ هـ.ق، ج ۲۵.
- شوشترى، محمد تقى، *النجعة فى شرح اللمعة*، كتابفروشى صدوق، تهران - ايران، اول، ۱۴۰۶ هـ.ق، ج ۹.
- شيرازى، ناصر مكارم، *كتاب النكاح* (مكارم)، انتشارات مدرسه امام على بن ابى طالب عليه السلام، قم - ايران، اول، ۱۴۲۴ هـ.ق، ج ۵.
- عاملى، حرّ، محمد بن حسن، *وسائل الشيعة*، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ايران، چاپ

- اول، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج ۲۱.
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد - ایران، اول، ۱۴۱۲ هـ.ق، ج ۷.
- عاملی، سید محمد حسین ترحینی، الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية، دار الفقه للطباعة و النشر، قم - ایران، چهارم، ۱۴۲۷ هـ.ق، ج ۶.
- عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، الموجز في المتعة، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمة الله عليه، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- عاملی، محمد بن علی موسوی، نهاية المرام في شرح مختصر شرائع الإسلام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ایران، اول، ۱۴۱۱ هـ.ق، ج ۱.
- ققی، سید تقی طباطبایی، مباني منهاج الصالحين، منشورات قلم الشرق، قم - ایران، اول، ۱۴۲۶ هـ.ق، ج ۱۰.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۵.
- کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی، الوافي، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان - ایران، اول، ۱۴۰۶ هـ.ق، ج ۱۴.
- گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، هداية العباد، دار القرآن الکریم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ.ق، ج ۲.
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی، تفصیل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - النکاح، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۱ هـ.ق.
- مشکینی، میرزا علی، الفقه المأثور، نشر الهادی، قم - ایران، چاپ دوم، ۱۴۱۸ هـ.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربي، بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ هـ.ق، ج ۳۰.
- نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۱۴.
- یزدی، سید عباس مدرسی، نموذج في الفقه الجعفري، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.